



و در همان وقت شاگردانش آمده، تعجب کردند که با زنی سخن می‌گوید و اما هیچ کس نگفت که چه می‌طلبی یا برای چه با او حرف می‌زنی. آنگاه زن سبوی خود را گذارده، به شهر رفت و مردم را گفت: «بیایید و کسی را ببینید که هرآنچه کرده بودم به من گفت. آیا این مسیح نیست؟» پس از شهر بیرون شده، نزد او می‌آمدند. یوحنا ۴: ۲۷-۳۰



در ابتدای روایت یوحنا از ملاقات مسیح و زن سامری بر سر چاه در سوخار می‌فهمیم که منجی ما و زن می‌توانستند گفت‌وگوی خصوصی داشته باشند زیرا شاگردان برای خرید غذا به شهر رفته بودند (یوحنا ۴: ۸). آیات امروز به ما می‌گویند که اندکی پس از آنکه عیسی هویت مسیح بودن خودش را برای زن فاش کرد، شاگردان بازگشتند و استاد خود را در حالی که با آن زن صحبت می‌کرد یافتند (۴: ۲۵-۲۷) و از این امر بسیار متعجب شدند. احتمالاً تعجب آنها از آنجایی نشأت می‌گرفت که برخلاف رفتار مسیح، بسیاری از خاخام‌ها (رهبران مذهبی) در قرن اول برای زنان احترام پایینی قائل بودند. بسیاری از آنها معتقد بودند که مکالمه با یک زن اتلاف وقت است حتی اگر آن زن همسر یکی از خودشان باشد. حتی برخی از آنها این طرز فکر را داشتند که آموزش تورات یا قوانین خدا به زنان اشتباه است. با این حال در اینجا عیسی با زن در مورد موضوعات مهمی چون پادشاهی خداوند و چگونگی تغییر نحوه پرستش او صحبت می‌کند (۴: ۱-۲۴). واضح است که عیسی برخلاف دیگران یک رهبر روحانی واقعی بود. او معتقد بود که زنان هم به اندازه مردان حق دارند کتاب مقدس را یاد بگیرند و در بحث‌های الهیاتی شرکت کنند (به لوقا ۱۰: ۳۸-۴۲ مراجعه کنید).

خاخام‌های یهودی هیچگاه حاضر نمی‌شدند با یک زن، آن هم یک زن سامری که ویژگی‌های اخلاقی مشکوکی دارد صحبت کنند. عیسی برخلاف این رویه عمل کرده بود و همین امر زن سامری را تحت تأثیر قرار داده بود. فارغ از این موضوع، دانش آشکار و ماوراءالطبیعه عیسی نیز تأثیری انکار ناپذیری بر زن گذاشته بود. تقریباً به محض رسیدن شاگردان، آن زن به شهر رفت تا در مورد عیسی به همسایگان خود بگوید (۴: ۲۸-۳۰). وضعیت زن به عنوان شخصی که از سوی اجتماع طرد شده است باعث شده بود که او به تنهایی برای کشیدن آب بر سر چاه بیاید (۴: ۶-۷ / ۴: ۱۶-۱۸). با این وجود زمانی که او خبر خوش آمدن عیسی مسیح را شنید ترس از رد شدن توسط آنانی که باعث منزوی شدنش شده بودند را کنار گذاشت. او به عیسی

شهادت داد و شهادتش چنان نیرومند بود که بسیاری از سامریان برای دیدن او بیرون آمدند (۴: ۳۰). ما نمی دانیم که در آن روز دقیقاً چند سامری با عیسی ملاقات کرده است اما به گفته محققان جمعیت زیادی برای دیدن عیسی به کنار چاه رفتند.

زن چنان مشتاق شهادت دادن به عیسی بود که حتی ظرف آب خود را رها کرد و رفت (۴: ۲۸). معمولاً در فرهنگ آن زمان زنان چنین چیزهایی را بر سر چاه رها نمی کردند. اشتیاق این زن باعث شد که نتواند صبر کند و در مورد مسیح به دیگران چیزی نگوید. او حتی یک ثانیه هم مکث نکرد تا ظرف آب خود را بردارد. این عکس العمل کاملاً قابل درک است. آگوستین در موعظه خود از این بخش گفته بود: «آن زن، مسیح خداوند را در قلب خود پذیرفته است! چه کاری می تواند انجام دهد جز اینکه ظرف آب خود را رها کند و برای بشارت انجیل بدود؟»

انجیل فقط برای آنهایی نیست که قابل احترام هستند و در تعامل با دیگران زندگی می کنند. انجیل برای افرادی که طرد شده اند و در زندگی خود اعمال شرم آوری انجام داده اند نیز هست. ما باید از همه افراد در کلیساهای خود استقبال کنیم تا آنها بتوانند انجیل را بشنوند و قدرت روح القدس را در زندگی خود تجربه کنند.

برای مطالعه بیشتر می توانید به این آیات مراجعه کنید «تثنیه ۳۲: ۳، مزامیر ۴۰: ۵، مرقس ۱: ۴۰ - ۴۵، اعمال ۵: ۴۲».



از خود بپرسیم:

آیا آنگونه که خداوند گفته است با دیگران رفتار می کنیم؟

آیا انجیل را به عنوان راهی برای نجات به دیگران معرفی می کنیم یا فقط آن را برای خودمان نگاه می داریم؟

اقتباسی از لیونر مینیستری (Ligonier Ministry)